

ضرورت سرمایه‌داری گانگستر انباشت اولیه در روسیه

ناتسی هلم استرم، ریچارد اسمیت

ترجمه: بابک پاکزاد

خبر رسایی مالی بانک روسیه در روزنامه‌های پاییز گذشته، تنها آخرین قسمت از سریال دشواره‌دار فساد در شوروی سابق است. سوال این است: آن‌ها این همه پول را از کجا آوردند؟ و چه طور نخست‌وزیر سابق لوکریین، برای خرید یک عمارت بزرگ در مارین کانتی کالیفرنیا ۱۲ میلیون دلار و ۵۰۰ هزار دلار برای آن در سال، هفت میلیون دلار پس‌انداز کرده‌اند؟ پاسخ واضح است: قانون گانگسترها در مسکو چنان شهرداری خاص و عام گشته که واژه‌های مالیاتی دولت انحصاری این‌تالیی خود را از دست داده است. کارشناسان اقتصادی غرب که معمارگذار کشورهای کمونیستی پیشین به اقتصاد بازار محسوب می‌شوند؛ از میزان گسترده فساد مالی، جرم و جنایت و فروپاشی اجتماعی که با فرقه‌های اقتصاد بازار همراه بود شوکه شده و ابزار ناواقعی می‌کنند. چنان‌که یکی از مقامات رسمی خزانه‌داری ایالات متحده می‌گوید: «ما باور داشتیم که لسل اولیه سرمایه‌داران روسی برای ما دوستان خوبی خواهند بود اما آن‌ها خیلی مشکل و حرامزاده‌اند»

ما سعی داریم این نکته را روشن سازیم که دلیل تمجب اقتصاددانان غربی از چنین نتایجی این است که آن‌ها بر گه‌ی جهان خیالی و غیر تاریخی یعنی بر مدل تولیدیول سرمایه‌داری تکیه کرده‌اند. ظهور سرمایه‌داری گانگستر و فسادهای کلان در کشورهای بلوک شرق برای هر کسی که با مشاهده تاریخی سرمایه‌داری و همچنین با توصیف مارکس از مقوله انباشت اولیه آشنا باشد امری کاملاً قابل پیش‌بینی بوده است. از این رو بند ۱۲ شوروی مختصر بر آراء مارکس پیرامون متشاه سرمایه‌داری سودمندی این تئوری را به مثابه‌ی ابزاری برای فهم آن‌چه امروز در روسیه در حال وقوع است مورد بررسی قرار می‌دهیم.

راز انباشت اولیه

در بالاخر چند اصل سرمایه در فصولی به نام راز انباشت اولیه، مارکس این پرسش را مطرح می‌کند که روند انباشت سرمایه‌داری در ابتدا چگونه آغاز

به شکل مستی در اختیار مجامع کشاورزی بود کشاورزان انگلیس طی قرون پانزدهم تا نوزدهم بر اثر انباشت زمین‌ها می‌انجامید به زور مزارعشان را ترک کردند و بنا براین، برای رفع احتیاجات خود کاملاً به بازار وابسته شدند. با رونق زمین‌ها و سایرین حفظ انحصاری ابزار تولید کشاورزی، بیورژوازی نوپای کشاورزی انگلستان شرایط را برای کارکرد طبیعی شیوه تولید سرمایه‌داری و برای مثال استثمار نظامت کارمزد فراهم کرد این اقدامات به شکل قابل توجهی زیر چتر حمایت حکومت انگلیس قرار داشت. حکومت با وضع قوانین تند و خشن بیورژوازی بی‌چیز نوین را به شکلی ناگزیر و آثار به انجام کار به ازای دستمزد و با مسجور به کار در کارگاه‌ها کرد. مارکس فرایند انباشت اولیه را این گونه توصیف می‌کند: «در تاریخ واقعی آشکار است که فترت سرزمین‌های دیگر، برگی، زندی، قتل و به انحصار جبر و زور نقش بزرگی در این زمینه داشته است. امروز نیز ما شاهد فرایند مشابهی هستیم که در سراسر جهان مابعد کمونیستی زیر بوق دوقم بازار در حال انجام است. در عمل این نسخه مدون از انباشت اولیه در روسیه، اروپای شرقی و چین به بزرگ‌ترین اقلیم برای حصارکش در تاریخ یعنی حصارکشی با وسعت یک قاره انجامیده است. قاره‌ای که با سرعت به سوی خصوصی‌گوش هر آن‌چه در تملک جمعی و عمومی است پیش می‌رود و هر قلم تاریخی دیگر برای حصارکشی را پشت سر گذاشت است. درست مانند گذشته این فرایند به ظهور طبقه‌ای از سرمایه‌داران نوپا و هم‌زمان به رشد میلیون‌ها گرسنه و بیکار نامن زند هیچ‌کس نمی‌تواند نتیجه پامانی این منازعه برای خلق بنیان‌های اجتماعی مالکیت سرمایه‌داری پیش‌بینی کند. این‌چه قطعی است این است که فریادهای اقتصادی قطعی شدن جامعه، فساد، مبارزه طبقاتی رو به افزایش است. امروز هیچ‌چیز دیروز فرایند انباشت اولیه سرمایه‌داری ندارد»

گرفته‌اند است. علی‌رغم حضور بازار از اعمار قدیم و اثر دوران باستان، سرمایه‌داری به مثابه‌ی یک نظام اجتماعی تولیدی، تا قرون شانزدهم و هفدهم ظهور پیدا نکرد این نظام بر خلاف تمام اشکال تاریخی از تولید، بر مبنای تولید کش برای بازار عمل می‌کرد و وابسته به حضور تولیدکنندگان کالا یا به بیان دیگر فروشنده‌گان بود در یک طرف طبقه‌ی سرمایه‌دار که دارای تملک انحصاری ابزار تولید بود و در طرف دیگر بیورژوازی بی‌چیز که از ابزار تولید و معیشت بی‌بهره بود و به تبع آن چیزی جز نیروی کارش برای فروش نداشت. ظهور این دو طبقه بزرگ اجتماعی شرایط غیر قابل اجتناب برای عمل کرد و توسعه شیوه تولید سرمایه‌داری بود. مارکس با جدیت تمام تأکید می‌کند که سرمایه فقط پول نیست بل نوعی روابط اجتماعی یگانه و منحصر به فرد است. از این رو اگر کسی بخواهد متشاه سرمایه‌داری را بفهمد باید فهمید که چه‌طور این دو طبقه بزرگ برای نخستین بار با به مرصه‌ی تاریخ گذارند. در روزگار مارکس اکثر اقتصاددانان به فاستان این چنین است قناعت می‌کردند و توصیف می‌کردند که چه‌طور انعطای صرفه‌جو، ماهوش و ساعی دست به انباشت ثروت می‌زدند در حالی که دیگران که پست و فرومایه و تنبل هستند دراپایی‌اشان را به یاد می‌دهند. مارکس با تکی این اسطوره به متابه یک شوخی می‌زهدی بیچگانه که در دفاع از اسلاک زدییده شده ساخته و پرداخته شده این‌طور بحث می‌کند که انباشت اولیه چیزی جز فرایند تاریخی جدا شدن تولیدکننده از ابزار تولید نیست. در ابتدای تاریخ اروپا، تولیدکنندگان از قید و بندهای فئدالی آزاد بودند اما آن‌ها هم‌چنین از تملک هرگونه ابزاری برای معیشت نیز آزاد بودند که در حکم دسترس به زمین و تأمین نظام حیوانی برای آنها حیات بود در انگلستان، نخستین کشور سرمایه‌داری، اتلاف زمین‌داران، کشاورزی تویه حکومت خود را برای منازعه‌ی که هر روز با طول انجامید بسیج کرد منازعه‌ی بر سر خصوصی‌سازی مزارع و دارایی‌هایی که در تملک عمود قرار داشت و

بهترین و درخشانترین شاهکار دانش اموزخان هاروارد

سقوط روسیه به پایان سرمایه‌داری گانگسترز نوین دهه ۱۹۹۰ آغاز شد. در آن سال‌ها کسانی که در روسیه دامنه فرود منتهی بر بازار داشتند تلاش کردند به صنعت‌های مشاورین غربی و به ویژه شوک درمانگر یوروفسوف جغیری ساچ و مشاوران سرمایه‌دار وی در مؤسسه توسعه بین‌المللی دانشگاه هاروارد گوش فرا دهند و با یک شیوچه سرمایه‌داری را به کشور ارزانی کنند. در ۱۹۹۰ زمانی که بساطا برنامه‌های فرود گوربا چفد بر چیده شد و دولت وی فروپاشید ساچ به یگور گابدار، نخستین تئور اقتصادی بلسین، توصیه کرد که به سرعت بخش اعظم کنترل‌ها و سوسیپداها را بچینند. سوسیپداها و قیمت‌های کنترل شده‌ی که زندگی شهروندان شوروی را برای بخش اعظم قرن ششک بخشد بود پیشرو بیس ساچ یک گذار کم و بیش آرام به یک نظام عادی سرمایه‌داری به سبک غرب پس از پایان شوک اولیه و برداشتن کنترل از روی قیمت‌ها بود. در اوایل دهه نود دکتر ساچ به این که چه طور شوک درمانی تجویز می‌شود، تهرود شدید بولیوی را در عرض ۹ روز درمان کرد می‌تواند اما فرمود فرود در اروپای شرقی او خواستار مدت زمان بیش تری بود. ساچ این گونه می‌شدید زیر درستی شیه پیش ترقی اقتصادی آنان معاصر او از یک ترک کاملاً غیر تاریخی از پدیده اقتصادی برخوردار است. ساچ مانند اسمیت بر این باور است که «تامل به معامته و داد و ستد، در ذات و طبیعت انسان نهفته است» و بنابراین تصویر کرده که گذار به سرمایه‌داری یک فرایند اقتصادی طبیعی و خودکار خواهد بود. طرد برنامه ریزی دولتی، آزادسازی قیمت‌ها، سرعت بخشیدن به رقابت بخش خصوصی با صنایع دولتی و فروش صنایع دولتی با حداکثر سرعت ممکن و پس از آن رشد اقتصادی و نیکو روزی، نکته مهمی که ساچ بر آن تاکید می‌کند تلف کردن وقت روی اقدامات نصف و نیمه نظیر اتخاذ راه سوسی چین پندار بوج سوسیالیسم بازار نبود. بل که او خواستار یک گذار اجباری به اقتصاد بازار به شیوه غرب با حداکثر سرعت ممکن بود. بنابراین گابدار و چاتیش آناتولی چوربا پس وقت را تلف نکرده مسیر را هموار کردند. روسیه در ۲ ژانویه ۱۹۹۲ با شوک مواجه شد. نرخ ۱۸۰ کالاهای تجاری از شمول کنترل خارج شد و تا پایان سال ۱۹۹۲ سه چهارم مؤسسات صنعتی بزرگ خصوصی شد. البته در پدیده شدن در این مورد توصیف دقیق تری است (یعنی به مدیران ارشد گانگسترهای زیرزمینی و با عناصری مشابه فروخته شد و بخش خصوصی رسماً ۶۲٪ تولید ناخالص ملی روسیه را به خود اختصاص داد.

زودود شدن تجلیات زندگی مدرن از روسیه

نتیجه فاجعه بود. در سال اول فرود، تولید

صنعتی دچار فروپاشی شد و ۲۶٪ نزول یافت. در خلال سال‌های ۱۹۹۲ تا ۹۵ تولید ناخالص ملی روسیه ۲۲٪ کاهش پیدا کرد و تولید صنعتی با نزولی ۴۶ درصدی مواجه شد که بسیار بدتر از کاهش اقتصادی ایالات متحده در سال‌های بحرانی بزرگ بود. گیشنگی اقتصادی به حدی بود که دکتر ساچ هنوز هم توانست آن را درمان کند. اقتصاد روسیه به نصف ابعاد خویش رسیده است و نزول کماکان ادامه دارد. تا ۱۹۹۱ به این سو درآمد ۲۰٪ افت پیدا کرده و ۸٪ از روس‌ها هم اکنون هیچ پس اندازی ندارند. دولت روسیه که با فروپاشی فعالیت اقتصادی و ورشکست شده، پرداخت حقوق میلیون‌ها کارمند و شاکتین دولتی را متوقف کرده است. یکاری به ویژه در میان زنان بی‌دولت می‌کند. از اواسط تا اواخر دهه ۹۰ بیش از ۲۳ میلیون نفر از جمعیت ۱۲۸ میلیونی روسیه در فقر زندگی می‌کنند یعنی فرامندی کم تر از ۳۲ دلار در ماه) و سه چهارم جمعیت نیز با درآمدی کمتر از ۱۰۰ دلار در ماه روبرو به شب می‌روند. میزان خودکشی دو بولوی و میزین مرگ ناشی از اعتیاد به الکل در اواسط دهه نود به سه برابر افزایش یافت. میزان تولد با کاهش مداوم مواجه است. مرگ و میر کودکان به سطح جهان سوم رسیده و پس از گذشت پنج سال از فرود، میزان متوسط عمر زنان ۲ سال کاهش پیدا کرده است و به ۷۲ رسیده و میزان متوسط عمر مردان ۲ سال کاهش یافته به ۶۵ سال رسیده است. در حال حاضر میزان مرگ بسیار بیش تر از تولد است به گونه‌ی که جمعیت روسیه هر سال یک میلیون نفر کاهش پیدا می‌کند. اگر این روند ادامه پیدا کند در سی سال آتی جمعیت روسیه از ۱۲۲ میلیون به ۱۲۲ میلیون نفر می‌رسد. این فروپاشی جمعیت شش تن از جنگ جهانی دوم تا کنون مشاهده نشده است.

فرود اقتصادی منجر به ترک و عدم مراقبت از

کودکان در مقیاس وسیع شده. تا پایان سال ۱۹۹۸ حداقل ۲ میلیون کودک به سرپرست صبح را به شب می‌رسانند یعنی بیش از تعداد کودکان بی سرپرست در میان جنگ جهانی بود. این در حالی است که تنها ۶۵۰۰۰۰ نفر از آن‌ها در پیشینه خانه زندگی می‌کنند. بقیه می‌خامان هستند. یک سال بعد از ترک پیشه خانه هم از هر سه نفر یکی به الکل معتاد می‌شود و از هر ده نفر یکی اقدام به خودکشی می‌کند. در کشوری که روزی دومین قدرت صنعتی در جهان محسوب می‌شد و تعداد فارغ التحصیلان مدارس عالی و دانشگاه‌های آن بیش از فارغ التحصیلان دانشگاه‌های ایالات متحده بود، ۱۰ میلیون کودک به مدرسه نمی‌روند.

این فاجعه انسانی که اغلب اقتصاددانان آن را «هریمن در جاده اقتصاد بازار» نام نهاده اند توسط پروفیسور استفان کورمن از دانشگاه نیویورک به اختصار با این عبارت توصیف گردیده «فروپاشی بی پایان در امکان ضروری برای ادامه حیات که البته فرایند خلق یک پروتازاریا حقیقی در روسیه است. در شوروی سابق کارگران قطعاً ساک ابزار تولید نبودند اما کار آن‌ها به مفهوم واقعی کلمه از آن خویش بود. آن‌ها مالک حقیقی کار خویش بودند. دولت موظف بود که مسکن و بهداشت را تأمین کند. مراقبت از کودکان را بر عهده گیرد و به امور رفاهی دیگر سوسید تخصص دهد. این حقوق منتهی بر مالکیت اجتماسی در روند گذار به یک اقتصاد بازار ابتدایی (در حال فروپاشی است. با محروم کردن مردم، آزادسازی قیمت‌ها و به تسلط خصوصی درامان ابزار تولید، بخش اعظم مردم اتخاذ شوروی سابق ناگزیر خود را به بازار عرضه کردند و البته به تعبیر مارکس «پیزی جز گشت و پیست و خون خود برای فروش نداشتند». معادیل گذار بر این نکته بافشاری می‌کند که درجه معینی از ترد و ناسامانی



حفاظت در کوتاه مدت اجتناب پذیر بود چرا که به تعبیر ساج باید به مؤسسان روسیه ی جدید آزادی لازم برای بازسازی اقتصاد داده می شد چرا که این اقدام به پای شان راز نیک پوزوی و خوشبینی برتری همگان منجر می شد. بهر حال دیگر در این باره اظهار نظر نکنیم و به سراغ مؤسسان جدید یعنی طبقه سرمایه دار برویم.

نقش زور و خشونت در نهاد سرمایه داری

رفرمد های ساج مطمئناً به مؤسسان روسیه جدید آزادی داده اما به جای این که سرمایه گذاری اقتصاد را در مسیر سرمایه داری معطل کند، بورژوازی جدید روسیه در یک رقابت جسمی برای ربوبن اموال عمومی فرو رفت؛ جنگی وحشیانه برتری نزدین هر چیزی که درستان به آن می رسید آغاز شد. آن ها تروتسکای ملی و منابع طبیعی را غارت کردند و برای افزایش فرصت های شخصی اشان تمام ذخایر طبیعی از طلا و الماس و نفت و گاز تا جنگ های سردی و حتی یونیونیم را فروخته و به غرب تحویل دادند و همان گونه که در آخرین مورد آن که همان رسوبی مالی است، مشاهده کردیم، آن ها حتی میبارد ها دلار از کمک های غرب را خصوصی کردند به جای به کارگیری تروتسکای زندگی شده دلار تولید و بالا بردن سرمایه گذاری ها به آن گونه که ساج به آن دل بست بود. بخش اعظم آن ها پول های ساد آورده خود را در حساب های سری بانک های غربی انباشتند یا آن ها را در ویلاهای فرانسه و قایق های تفریحی بر باد دادند. در اواسط دهه ۹۰ بورژوازی سرخ روسیه ۱۵۰ میلیارد دلار را در اشکال مختلف به خارج از روسیه انتقال دادند. در خانه نیز آن ها روی بی پاستو پوست خاکی، سیمونیزا و زندگی سلطنتی سرمایه گذاری می کردند و با ارتش خصوصی از آرمکش های مساج استخدام می کردند تا از تارایی و شووشتای نزدیکه شده محافظت کند. اما تمام این اقدامات امینی تا زمانی است که مشروعیت این اموال و تارایی های نزدیکه شده مورد تصویب دولت های مطیع قرار گیرد. درست شبیه حصار کشی در انگلستان یا ربوبن زمین ها در ایالات متحد.

در ۱۹۹۲ یک مقام رسمی خزانه داری آمریکا در مصاحبه با روزنامه نگاری به نام سیمور هرش اظهار داشت که هنوز در میان ایالات متحد در پیش بینی غارت و تاهی مانوئیست سرمایه داران روسیه جدید و به خطه رفته اند اما ادامه مسدود کردن دستن روی کشورهای آمریکا را با سفید لاین دوستان روی تسهیل کاران آمریکا را با سفید لاین دوستان یک کشور است. ساج سعی می کند این نتایج ناخوشایند را با سرزنش فرهنگ سیاسی رژیم های کمونیستی پیش توجیه کند. اما این برای غارت و چپاولی که در گذار به سرمایه داری منسب کشورهای سابق کمونیستی گردیده است توجیه کافی و سوجهی نیست. دلیل اصلی این است که سرمایه داری به مثابه ی یک سیستم اجتماعی برای

به چنگ آوردن ثروت و تارایی های احتیاجی، به یک حراج بزرگ نیاز دارد. چرا؟ چون سرمایه داری محتاج سرمایه داران است و سرمایه داران طبقه ای از مردم را شامل می شوند که مالکیت انحصاری ابزار تولید را در اختیار داشته باشند. اما همان طوره که ساج اشاره می کند تا قبل از ۱۹۸۹ صنایع روسیه، معادن و منابع طبیعی رسد در تنگ دولت قرار داشته و بنابراین مایملک کسی نبودند. زمانیکه تاروها به شوربیه جمعی اما آن ها را مایملک خصوصی خود نگرفته بودند. آن ها باید شکل می گرفت، و به همین دلیل پروتسک کتیر و ایزر که اموال و تارایی ها خصوصی قانونی اعلام شوند سر و کله سرمایه داران پیدا می شود و آن ها گامی جلو گذاشته، مکان اقتصاد کشور را به دست می گیرند. اما سر و کله این سرمایه داران باید از یک جا پیدا می شد؛ در ۱۹۹۰ هیچکس از اهالی اروپای شرقی یا روسیه سیرده بانکی کلان یا تروتسکای توجیه یا مالک ابزار تولید مستحق نبود. میوزو قایل وجود نداشت. بنابراین هیچکس امکاناتی برای خرید کارخانه ها، معادن، جنگل ها، مزارع اشتراکی و یا استخدام نیروی کار نداشت و درست به همین دلیل بود که آن ها همه می ترسیدند که سرمایه گزاران حزی از گرد راه بوسند و همه چیز را بخرند و بر کل اقتصاد سایه افکنند.

بنابراین برش هنوز باقی است. سرمایه داران این مؤسسه روسیه جدید، بالاخره چه کسانی هستند؟ ساج به سرعت کارگران را از دایره کار گذاشت و اظهار کرده هدف روزگرم باید تبدیل تارایی دولتی به شرکت خصوصی یا مالکیت سهامی قابل انتقال باشد نه شرکت های تعاونی یا کارخانه های که توسط کارگزاران اداره می شوند. ساج همه چنین تاکید می کرد که دولت باید دست مدیران را آزاد ماک دولت کوتاه کند.

پوست این است که اگر تله کارگران و نه مدیران هیچ کدام صلاحیت سرمایه دار شدن را ندارند چه کسانی باید سرمایه داری و یا مالک این شرکت های خصوصی شوند؟ و چگونه فرمیته ها می توانند تسک مسیر را برای بسوی ساختن سرمایه داری به تسک دیوب بنون سرمایه دار طی کنند؟ به منظور ایجاد دیوب بندی برای ایالت های خصوصی سرمایه داری آن ها نیازمند طی کردن روند انباشت اولیه اند. تنها به این ترتیب است که سرمایه داران خلق می شوند. افراد باید تارایی ها را به تسک خویش در آورند و املاک، کارخانه ها، معادن، جاهای نفت و جنگل ها را خصوصی کند اما از آن جایی که هیچکس پولی برای خریدن این اموال عمومی از دولت ندارد در عمل هیچ راهی برای تحقق فرآیند خصوصی سازی از طریق قانونی، مشروع و اخلاقی باقی نمی ماند. در

عین حال افشاری ساج بر تسریع روند گذار هیچ فرصتی به رشد سرمایه دار می با تارایی های اندک نمی دهد. تارایی ها آنقدر که برای بدل شدن به شرکت های بزرگ قرن ها وقت نیاز دارند. این طقه باید برای برق و یک شبه ایجاد شود و بالاخره ایجاد شد در آخر ضرورتاً ترکیبی از عناصر سابق، یعنی تکنالوتورها، مدیران رده بالای بعضی صنایع و بخصوص بخش های تارایی از نیروهای سرورس جاسوسی پیش نویس خصوصی سازی اقتصاد به سبک چنایتکارانه را نوشتند در عمل ساج و HIID مسئولیت مهمی را در خلق سرمایه داران جنایت پیشه به عهده دارند. چرا که آن ها حکم خصوصی سازی بسیاری از کارخانه ها و منابع را پیش نویس کردند. در عمل نیز دولت ایالات متحده هم تأیید در حال تحقیق است که با سوزن کردن صد ها میلیون دلار کمک های آمریکا به دستان خصوصی سازان فاسدی چون آناتولی چومایس دوستش، HIID در چه مناسباتی قوانین ایالات متحده را نقض کرده و تا چه اندازه ی مشاوران هاروارد تخصص از این ماجرا سود برده اند.

به اختصار یک نهد بعد از اختراع درخشان ترین و برترین دانش آموختگان هاروارد در روسیه، تمام تجلی های یک زندگی مدون از کشوری که روزی ابرقدرت بود رخت بپوشد، اقتصاد ویران شده، کشور با ۱۵۰ میلیارد دلار بدهی آراسته شده و خدمات بهداشتی و اجتماع قطع گردیده است. از ۷۰ تا ۸۰ درصد جمعیت فقط در حد ایام حیات به زندگی اکین در فقر طاقت فرسا دست و پا می زند. بسیاری در آستانه خطر گرسنگی به سر می برند و طبقه سرمایه داران گانگستر جابترین سوروکراسی استالینیستی گردیده این است آن چه اقتصاددانان ایالات متحد، اقتصاد خادی و عظامی می نامند.

شرایط بنیادی برای تولید سرمایه داری خیلی سریع در روسیه پدید آمد. در یک سو توده های مردمی قرار داشتند که تمام تضمین های زیستی را که شوروی سابق تعهد کرده بود از دست داده و از سوی دیگر سرمایه داران و تروتسکلان که مشتاقانه به دنبال افزایش تارایی های شان بودند. امروزه بر شک موضوع مالکیت خصوصی در روسیه نه تنها تأیید نشده بل که با شدت هرچه تجاوز تمام تر کاملاً منازعه و ستیز است مالکیت خصوصی هنوز کاملاً قانونی نیست و هنوز هیچ نظام قضایی مستقلی و هیچ دولت بورژوازی برای حمایت از آن وجود ندارد. مقاومت عمومی روس ها در برابر قوانین گرفتن این لذتی و غارت اموال عمومی گمانگاز قوی و قدرتمند می نماید. اما بدون این تضمین هیچ پیش تر سرمایه داران روس به شوق کشیدن پول خود در فعالیت های تولیدی ابزار بی میلی می کشند از این رو، سرمایه گذاری تولیدی اندک توسعه اندک و خصوصی سازی و حرکت بر مبنای اقتصاد بازار کاملاً ایامه دارد و اقتصاد کشور نیز در حال غرق شدن است. منبع معانات مانتلر، ربور، موریه ۲۰۰۰